

ارائه آمار به روش ایرانی...!

۱۳۷۵ خورشیدی)، رقمی برابر ۹۹۰ میلیون دلار خواهد بود. اگر آن را با قیمت واقعی تر دلار، یعنی قیمتی که می شود آن را خرید (میانگین برای هفت ماهه اول سال جاری، برابر با ۴۵۰۰ ریال) بسنجیم، در آن صورت ارزش واقعی تر صادرات غیر نفتی کشور در دوره مزبور، عبارت خواهد بود از ۶۶۰ میلیون دلار.

برای بدست آوردن رقم واقعی، باید منتظر انتشار ارقام مربوط به بانک مرکزی در مورد خریدار از محل صادرات بمانیم، در آن زمان متوجه خواهیم شد که بابت رقم های زیالی صادرات که عوامل بسیاری در بزرگنمایی آن مؤثرند، چند دلار بدست آورده ایم. با مروری بر ارقام منتشره از سوی مراجع گوناگون و بانک مرکزی، واقعیت های صادرات غیر نفتی را بهتر درک خواهیم کرد (گزارش - شماره ۵۸ آذر ماه ۱۳۷۴: صادرات غیر نفتی و تجربه ای از گذشته ها).

با حلوا گفتن، دهان را شیرین کردن
صبحگاه یکی از روزهای آغازین آذرماه، هنگام چاشت روزنامه همشهری را ورق می زدم. خبر خیلی خوشی نظرم را جلب کرد: طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن در خوزستان امسال ۴ هزار تن شکر به بازار عرضه می کند... پارسال متوسط برداشت نیشکر از مزارع ۱۳۰ تن در هکتار بود و پیش بینی می شود این رقم امسال به ۱۵۰ تن در هکتار برسد... در بهار و تابستان امسال ۲۰۰ میلیارد ریال در طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی صرف شده و مجموع هزینه های صرف شده در این طرح را تاکنون به ۱۰۰۰ میلیارد ریال رسانده است... (همشهری ۸ آذر ۱۳۷۵).

وقتی خبر را خواندم، از شوق اینکه بازده سطح نیشکر بالا رفته و در نتیجه میزان شکر بدست آمده افزایش یافته و سرمایه گذاری های هنگفتی در این زمینه انجام شده و می شود بی اختیار، و با وجودی که عادت به آشامیدن چای شیرین ندارم یک قاشق لیریز از شکر را به داخل استکان چای سرازیر کردم. البته باید یادآور شوم که در همان روزها در روزنامه ها خوانده، و از دوستان شنیده بودم که انسولین کمیاب

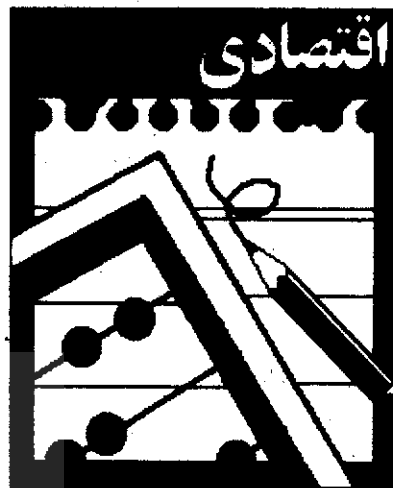
صفحه ای اقتصادی همشهری، خبری پیرامون مسأله ای صادرات غیر نفتی نظرم را جلب کرد و با خود اندیشیدم که برآورد دربارہ ۶-۵ میلیارد دلار صادرات در سال جاری، خیلی هم غلط نبوده و شاید با این رقم ها بیشتر هم بشود.

خبر مزبور از زبان رئیس کل گمرک، می گفت: «صادرات غیر نفتی کشور از فروردین تا پایان مهر ماه امسال به ۲ میلیارد و ۱۲۳ میلیون دلار رسید که از نظر ارزش ۱۰/۵ درصد و از نظر وزن ۱۰/۳ درصد نسبت به مدت مشابه پارسال، افزایش داشته است.» خوشحالی من از خواندن این خبر دیری نپایید، زیرا با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه رسیدم که ۲۹۷ میلیارد تومان با توجه به نرخ ارز که از سوی دولت اعلام می شود و هم چنین نرخ هایی که در بازار آزاد از آن گفتگو می کنند، با رقم ۲ میلیارد و ۱۲۳ میلیون دلار، درست در نمی آید.



دکتر هوشنگ رahn

وقتی دو رقم را وارد ماشین حساب کردم، به این نتیجه ی شگفت انگیز رسیدم که بر خلاف شایعات دولتی مبنی بر این که ارزش هر دلار، سیصد تومان است و هیاهوی بازار آزاد که از رقم های ۹۰-۴۸۰ تومان گفتگو می کنند، ارزش برابری هر دلار ۱۴۰ تومان است، نه یک ریال بیشتر، بلکه یک ریال هم کمتر! بدین سان هرگاه ارزش ریالی صادرات، یعنی ۲۹۷۰ میلیارد ریال را به ارزش دلاری آن یعنی ۲/۱۲۳ میلیارد دلار بخش کنیم، حاصل بخش عبارت خواهد بود از ۱۳۹۸/۹۶ ریال، یعنی ۱۳۹/۹ تومان. در حالی که اگر رقم ریالی صادرات را با نرخ رسمی دولتی محاسبه کنیم، ارزش صادرات غیر نفتی کشور در هفت ماهه اول سال (اول فروردین تا پایان مهرماه



نوشته دکتر هوشنگ رahn

صادرات، چند میلیارد دلاری

روز دهم آبانماه سال ۱۳۷۵ روزنامه همشهری در گفتگو با معاون طرح و برنامه گمرک، نوشت: «ارزش صادرات غیر نفتی کشور از آغاز سال تا پایان مهرماه، به ۲۹۷۰ میلیارد ریال (۲۹۷ میلیارد تومان)، بالغ شده. وی پیش بینی کرد «ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سال جاری بیش از سال گذشته باشد. ارزش صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۳۷۴ به ۳/۲ میلیارد دلار رسید.»

گرچه رقم اعلام شده از سوی معاون طرح و برنامه گمرک برای سال ۱۳۷۴ در برابر صادرات «کشور-شهر» هایی مانند هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور که در سال ۱۹۹۴ میلادی به ترتیب ۱۳۶/۵، ۹۳/۵ و ۹۳/۰ میلیارد دلار بوده، بسیار اندک است، اما باز هم خواندن رقم ۳/۲ میلیارد دلار مرا به وجد آورد و با تأکید ایشان که «ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سال جاری بیش از گذشته خواهد بود»، با خود گفتم که دست کم صادرات غیر نفتی کشور در سال جاری حدود ۶-۵ میلیارد دلار خواهد بود. گرچه هنوز تا بالای نود و صد میلیارد دلار، راه درازی است، اما جای امیدواری هست.

یک ماه بعد، یعنی روز ۲۲ آذرماه سال ۱۳۷۵، در

و شاید نایاب است، اما چنان از خواندن خبر افزایش تولید و بالا رفتن بازده سطح زیر کشت نیشکر به وجد آمده بودم که عنان اختیار از کف دادم و احتمال ابتلا به مرض قند در این بحبوحه نایابی انسولین فراموشم شد!

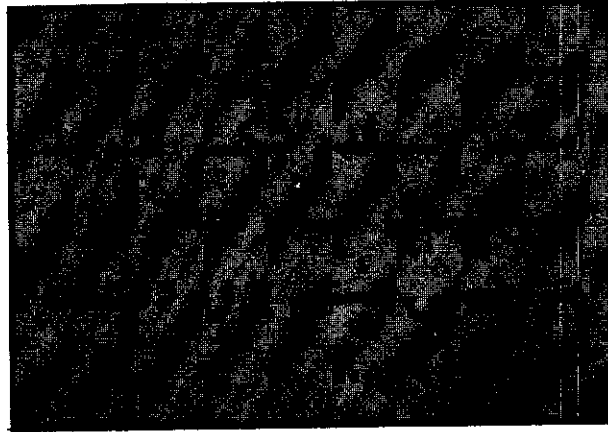
چند روز بعد، و در حالی که هنوز مزه‌ی آن چای شیرین در دهانم بود در صفحه‌ی اقتصادی همین روزنامه همشهری به خبری برخوردیم که آن شیرین کامی را به تلخ کامی بدل کرد. تازه متوجه شدم که آن خبر خوش ده روز پیش،

پیش درآمدی برای آماده‌سازی خوانندگان برای خواندن این خبر در آور بود. آن خبر تلخ چنین بود: «...مدیر عامل شرکت سهامی قند و شکر هفته‌ی پیش اعلام کرده که امسال بدلیل کاهش تولید، واردات شکر ۳۶۰ هزار تن افزایش یافته و مجموعاً تا پایان سال جاری، ۹۵۰ هزار تن شکر وارد کشور خواهد شد.» (همشهری ۱۸ آذر ماه ۱۳۷۵).

از خواندن این خبر، افزون بر تلخکامی، سخت به فکر فرو رفتم. اندیشیدم که اگر جمعیت کشور را ۶۰ میلیون تن در نظر بگیریم (محاسبه‌ی اولیه در مورد جمعیت کشور بر پایه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، رقم را کمتر نشان می‌دهد) و اگر همی ۶۰ میلیون نفر دارای کوبن قند و شکر باشند و با توجه به این که سهمیه‌ی هر کوبن ۱۲۰۰ گرم در ماه است، در آن صورت مصرف سالانه «مردم کوبنی» درست ۸۶۴ هزار تن خواهد بود. در حالی که رقم واردات حتی ۸۶ هزار تن، بیشتر از این رقم است.

راستی، تولید کشور چه میزان است؟ به واقع تولید کشور همین ارقامی است که منتشر می‌شوند؟ آیا بهتر نیست، برای این که دست کم امر بر خودمان مشبه نگردد، یکبار بازی با ارقام را که سابقه‌ی طولانی در کشور دارد، از سر نو، شروع کنیم. بگذارید، ارقام صحیح در زمینه جمعیت، نیروی انسانی، بیکاری، بسی سواد، جرم و جنایت، فرآورده‌های کشاورزی، تولیدات صنعتی و... را از نو منتشر کنیم. یعنی آمار واقعی را به مردم ارائه کنیم تا گنجه‌ی چندگانگی در همی زمینها به چشم نخورد. این ارقام نادرست، عوام را نمی‌فریبد بلکه باعث گمراهی و اشتباهات مهلک هنگام بیکارگیری آنها می‌گردد.

در خبر چاپ شده در روزنامه همشهری در مورد واردات شکر، آمده است: «... شکر تصفیه نشده با قیمت ۲۸۶ دلار در هر تن خریداری شده،



لیکن قیمت شکر سفید، هنوز مشخص نشده است...» حال با فرض این که حدود ۳۰۰ هزار تن از واردات امسال شکر تصفیه نشده باشد و بقیه سفید و اگر قیمت شکر سفید را تنی ۱۰۰ دلار بیشتر از شکر تصفیه نشده در نظر آوریم، در آن صورت ارزش پرداختی برای واردات شکر حدود ۳۲۰ میلیون دلار خواهد بود. البته کرایه‌ی حمل، بیمه و... در این پرداخت‌ها منظور نشده است که آن هم باید به ارزش پرداخت شود. بدین سان با توجه به نرخ رسمی ارز، یک سوم درآمد صادراتی کشور را از محل کالاهای غیر نفتی در هفت ماهه‌ی اول سال جاری، تنها باید بابت واردات شکر (بدون حمل و بیمه)، بپردازیم و یا به نرخ بازار آزاد، نیمی از آن را باید صرف واردات مزبور کنیم.

پیشی گرفتن از اروپا!

صبح روز سه‌شنبه یازدهم دیماه جاری، تازه کار را آغاز کرده بودم که دوستی وارد دفتر شد و گفت یک خبر خیلی خیلی خوب، روزنامه سلام را در دستش دیدم و از دمی که وارد شد تا لحظه‌ای که روزنامه را که با روش ویژه‌ی تاه کرده بود بدستم داد، افکار گوناگونی از مغزم گذشت.

وقتی که روزنامه را بدستم داد، دیدم گرچه خبر با افکار آرزمانی من خیلی فاصله دارد، اما به واقع خبر خوبی است: «ایران در سازار پایی محصولات پتروشیمی خود در کشورهای کره جنوبی، چین، هندو تایوان، ازرقبای اروپایی خود پیشی گرفته است.»

خبر خوبی بود، بالاخره یکبار دیگر ما از «چشم آبی»ها در زمینه‌ی یکی از مهمترین فرآورده‌های امروز علم و صنعت در جهان جلو افتادیم.

دوستم با اصرار می‌خواست پس از خواندن این خبر روزنامه را از دست بگیرد. اما من بسرعت دستم را پس کشیدم و با شگفتی بسیار و اندوه زیاد چشمم

به عنوان اصلی صفحه‌ی اول افتاد: «مجتمع پتروشیمی خراسان بدلیل عدم گنجایش انبارها در آستانه تعطیلی قرار گرفت.»

مگر همین مجتمع نبود که چندی پیش با بوق و کرنا مراسم افتتاح آن انجام شد؟ مگر ما در بازار پایی تولیدات پتروشیمی در بازارهای آسیا از رقبای اروپایی خود پیشی نگرفته‌ایم؟ مگر طراحان این مجتمع، با وجود این همه نرم افزارهای رایانه‌ای که انجام هرگونه محاسبه را در کمترین زمان امکان‌پذیر

کرده، ساخت انبارهای لازم را پیش‌بینی نکرده‌اند؟ پرسش‌های بسیار دیگری در مغزم جان گرفت که برایشان پاسخی پیدا نکردم. تنها چیزی که از خواندن این دو خبر برابم ماند، تأسف بود و باز هم تأسف. تأسف از این که حتی قادر نیستیم انبارهای لازم برای یک مجتمع تولیدی را محاسبه کنیم و تأسف بیشتر از این که بذره‌های امیدی که در دل مردم کاشته می‌شوند، چون بنیادی ندارند و با حقیقت و واقعیت‌ها منطبق نیستند، خیلی زود بدل به میوه‌ی تلخ تأسف و تأثر می‌شوند.

به این بخش خبر بالا نیز توجه فرمائید تا ژرفای گفته‌هایم را بهتر درک بفرمائید. «... در حال حاضر کشور از نظر تولید و تأمین محصولات پتروشیمی به خودکفایی رسیده است و فقط مقداری خاک فسفات (از مواد اولیه کود فسفات) وارد می‌شود...»

چند سطر پائین‌تر: «... در سال جاری به منظور تعدیل بازار و جلوگیری از افزایش قیمت، شرکت بازرگانی پتروشیمی از سوی ستاد تنظیم بازار مسئول وارد کردن ۲۰ هزار تن پلی پروپیلن، ۲۵ هزار تن کربنات سنگین و ۲ هزار تن پرکلرین، برای مقابله با کمبود مقطعی این کالاها شد...!»

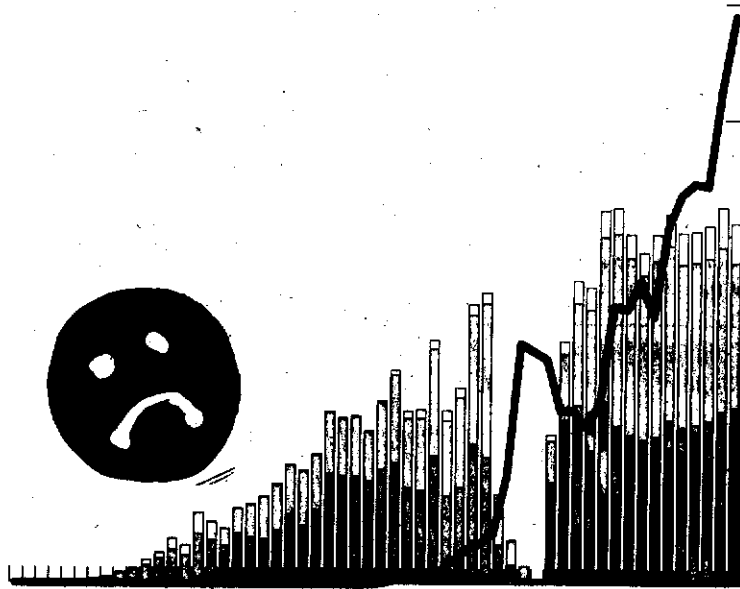
بخش پایانی مطلب: «... در صورت عدم سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی‌های لازم در این زمینه، در چند سال آینده کشور با کمبود محصولات پتروشیمی مواجه خواهد شد...»

پرسش‌های بعدی را به خوانندگان گرامی واگذار می‌کنم. گمان می‌کنم پرسش این باشد: خودفریبی، در چه ابعاد و به چه قیمت؟

نه «چشم‌بندی»، نه «شعبده‌بازی»

سه‌شنبه شب، بیست و پنجم دیماه ۱۳۷۵، روزنامه اطلاعات را برای خواندن خبرهای حقیقی (آگهی‌های ختم)، ورق می‌زدم. در صفحه‌ی چهارم

در بالای ستون دست راست، عنوان زیر نظرم را جلب کرد: «افزایش تولید لوازم خانگی». در این زمینه مدیر کل صنایع فلزی وزارت، اعلام کرده بود: «... امسال میزان تولید یخچال فریزر با ۲۳ درصد رشد به ۹۰۰ هزار دستگاه، لباسشویی با ۲۱ درصد رشد به ۱۰۰ هزار دستگاه، جاروی برقی با ۶۵ درصد رشد به ۲۴۰ هزار دستگاه و... رسید. آقای... علت افزایش تولید لوازم خانگی را بهره برداری از واحدهای جدید در یکسال گذشته ذکر کرد و اظهار داشت در یکسال گذشته، حدود ۱۵ واحد تولید لوازم خانگی، به بهره برداری رسیده اند.»



چند روز پیش از خواندن این خبر، دوستی از من خواست که برای خرید یک یخچال ایرانی برای یکی از دوستان مشترک، همراهیش کنم. هر کجا که رفتیم، از یخچال و تلویزیون و ماشین لباسشویی ایرانی خبری نبود، در حالیکه انواع خارجی آن به فراوانی یافت می شد.

با خود اندیشیدم که بطور قطع با توجه به اینکه طبق گفته‌ی مسئولان کیفیت کالاها ی ایرانی خیلی بهبود یافته است، برای این که آن را به محک آزمایش بزنند، کالاها ی ایرانی را با مارک خارجی به بازار روانه کرده‌اند، تا بطور عملی ادعای خود را ثابت کنند.

با وجودی که ارقام اعلام شده، با توجه به تولید کشورهای صادرکننده این قبیل کالاها مانند کره، تایوان، سنگاپور، مالزی و... بسیار اندک است و ما هنوز تا خودکفایی در این زمینه فاصله ی زیادی داریم، به خود گفتم که گفته‌های یک مقام رسمی پیرامون ارقام تولید که نمی تواند نادرست باشد و اگر در فروشگاهها یخچال و تلویزیون و... ساخت ایران به چشم نمی خورد، بی شک فرآورده‌های داخلی را با مارک خارجی وارد بازار می کنند، و گرنه ۹۰۰ هزار یخچال، قطره ی آب نیست که به زمین فرو رود و پس از چند لحظه اثری از آن باقی نماند.

هنوز، از لذت کشف بزرگ خود پیرامون وسایل خانگی داخلی با مارک خارجی سرشار بودم که در همان صفحه و درست در ستون مقابل خواندم: «یک شرکت بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی برای ایجاد گرانی، تولیدات خود را کاهش داد.»

با کنجکاو ی بیشتر خبر را خواندم، نوشته بود:

«... این شرکت که با کوشش بازرسان اداره کل بازرسی و نظارت استان تهران بدلیل تخلف کاهش تولید و فروش اجباری کالا به همراه کالاها ی دیگر (۱۹) به تعزیرات حکومتی معرفی شده، به بهانه ی تجدید نظر در قیمت، روند تولید و عرضه ماشین لباسشویی را به مدت ۲ ماه از ۳۰۰ دستگاه در روز به حدود ۴ دستگاه در روز کاهش داده و باعث افزایش شدید قیمت در بازار شده است...»

با خواندن این دو خبر، در یک صفحه ی روزنامه، چند مسأله، در راستای هم برابم مطرح شد. -مدیرکل صنایع فلزی وزارت صنایع، مدعی است که «همه ی واحدهای تولیدکننده ی لوازم خانگی... با ظرفیت کامل مشغول تولید هستند». از سوی دیگر ایشان می گویند که تولید لباسشویی با ۲۱ درصد رشد به ۱۰۰ هزار دستگاه رسید.

-اداره کل: بازرسی و نظارت استان تهران مدعی است که یک شرکت بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی، تولید ماشین رختشویی را به مدت دو ماه از ۳۰۰ دستگاه در روز به ۴ دستگاه در روز کاهش داده است و باعث افزایش شدید قیمت شده است.

-مدیرکل صنایع فلزی وزارت صنایع، دلیل افزایش تولید را، بهره برداری از ۱۵ واحد جدید تولید لوازم خانگی در سال جاری می دانند، در صورتی که همین واحدی که مورد غضب بازرسان اداره کل بازرسی و نظارت استان تهران قرار گرفته است، به تنهایی روزانه ۳۰۰ دستگاه و سالانه حدود ۱۰۰ هزار دستگاه می تواند تولید کند. از سوی دیگر با وجودی که این واحد برای چند ماه تقریباً تولید را متوقف

کرده، باز هم تولید کشور ۲۱ درصد رشد نشان می دهد؟!

یکی دو روزی، سخت اندیشناک بودم و این مسأله ی چند معادله ی چند مجهولی را به دلیل این که مجهولها بیش از معادله ها بود، نمی توانستم حل کنم. صبح پنجشنبه ۲۷ دیماه جاری در روزنامه ابرار چشمم به خبری افتاد که چند مجهول دیگر نیز به صورت مسأله افزود. خبر این بود:

«تولید ۸۰ هزار دستگاه ماشین لباسشویی -قیمتدار در بازار شکست.»

خبر از قول مدیرکل صنایع فلزی وزارت صنایع بود که دو

روز پیش اعلام کرده بود که تولید ماشین لباسشویی در کشور با ۲۱ درصد رشد در سال جاری به ۱۰۰ هزار دستگاه رسیده است (اطلاعات ۲۵ دیماه ۱۳۷۵) هم ایشان دو روز بعد اعلام کرد: «از ابتدای فروردین تا پایان آذر ماه سال جاری بیش از ۸۰ هزار دستگاه ماشین لباسشویی در ۳ واحد بزرگ داخلی تولید شده است... افزایش تولید و عرضه ی به موقع محصولات تولیدی باعث شد قیمت بین ۱۰ تا ۲۰ درصد نسبت به ماه قبل، کاهش یابد.»

وی گفت: «این میزان تولید، تنها ظرفیت ۳ واحد بزرگ کشور است و پنج واحد دیگر هر کدام در مجموع سالانه سه تا چهار هزار دستگاه ماشین لباسشویی تولید می کنند.»

به دنباله خبر توجه فرمائید: «... (وی) با اشاره به روند رو به رشد تولید ماشین لباسشویی در ۳ واحد بزرگ گفت: تولید شرکت ارج در حال حاضر نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۰۰ درصد و کارخانه آزمایش ۳۶ درصد افزایش دارد. در حالی که شرکت آبسال طبق برنامه زمان بندی شده تولید می کند...»

یاد پهلوان پیر شهرمان «خلیل عقاب» به خیر. روزگاری که جوان بود، در سرپل تجریش، سینی های کلفت مسین را از هم می درید و نسدان بر روی سینه اش می گذاشتند و با پتک، سنگ خرد می کردند. اما امروز که نیروی جوانی را از دست داده، روی به حرفه سیرکداری آورده و نمی دانم با وجود این همه شعبده باز وطنی، چرا از شعبده بازان سرزمین های ارمستان، گرجستان، اوکراین و... بهره می گیرد. شاید آنها هم مانند یخچالها و تلویزیونهای وطنی هستند که با مارک خارجی به بازار عرضه می شوند! □